

نهم ماه مه، روز تدفین فاشیسم هیتلری

نهم ماه مه، روزیست جاودانه در تاریخ بشریت. زیرا این روز، روز پیروزی غرور آمیز و دوران ساز شریفتین و پاکترین انسانها، از هر نژاد و ملت، از هر ایدئولوژی و بینش سیاسی متفاوت، علیه فاشیسم، این مظهر بندگی انسانها، تاریکی و پلشتی ها در جهان است.

در این روز است که امروزه نیز به انسانهای آگاه و مترقی درسراسر جهان، احساسی متضاد و دوگانه دست میدهد. از یکسو، احساس روز بزرگ خاتمه دوران اشک و خون، ویرانیا و جدائی های چهار سال جنگ خونین بشریت علیه فاشیسم، روز نقش بستن غنچه های لبخند بر لب پیروزمندان، روز خاموشی کوره های آدم سوزی و در یک کلام تدفین ایدئولوژی انسان خوار و جهان سوز فاشیسم هیتلری و محو آن از حیات بشریت. از سوی دیگر این آغازیست جهت پایان بخشیدن به یکدوره توقف و عقب گرد فاجعه آمیز زندگی بشریت در لحظه ای از تاریخ خاتمه قتل عام پنجاه میلیون انسان از هر نژاد و ملت بوسیله جانوران خون آشام فاشیسم هیتلری و پایان بر باد رفتن آرزوهای نیک یک نسل از بشریت و نقطه ختامی بر تلاشی کانون میلیونها میلیون خانواده در سرتاسر جهان و روز حک شدن قهرمانیهای حماسی انسانهای عادی برای همیشه بر پیشانی تاریخ است.

به گواه تاریخ، بار اصلی این مبارزه حماسی به حق بردوش مردم شوروی سابق بوده است. همین خاطر مردم جمهوریهای پیشین این کشور امروزه نیز با شور و شوق بی حد و حصری به استقبال روز نهم ماه مه می شتابند و این روز را با جشنهای گریان و با لبهای متبسم گرامی میدارند. شاهد تاریخی این جانفشانی و پیروزی حماسی این مردم نیز میزبان تلفات وحشتناک جانی و مالی آنهاست. دشتها و جنگلهای انبوه روسیه، اوکراین، روسیه سفید، سیبری، تانگا و منچوری و... انباشته از مزار محقرانه شهیدان قهرمان این ملتهاست. زیرا که اگر خود طبیعت این خیل عظیم قهرمانان راه آشوش خود نکشد، آنها یعنی ۲۶،۵۵۲،۰۰۰ نفر گرد حماسه آفرین در کدامین گورستان جای خواهند گرفت! اصلاً قهرمانان واقعی شایسته آسودن در مزارهای معمولی نیستند، زیرا که قهرمانان مزار ندارند!

بقیه در ص ۱۲

در این شماره:

نخبگان و سفالگان... ص ۲ میلی مسئله ص ۹
میلی دیلیمیز... ص ۵ روز شمار ص ۱۰
اعلامیه کانون ص ۷ مواد مخدر ص ۱۲

پیمانیت ۷۵-مین سالگرد اعلام جمهوری

تورکمنستان بخوبی

حور قالماسین پوشتدئر، پرشترم
برقرار دولت ایسلترین".
ماغتیمغولی

"خوار و ذلیل نگردند نسل اندر نسل
بنای دولتی معتبر آرزوی منست".

مختومقلی
شاعر و فیلسوف بزرگ ملت تورکمن
(۱۷۳۳-۱۷۹۱)

جنبش رهایی بخش ملت تورکمن در راستای ایجاد حکومتی مستقل و مسیلی از قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی باینسو موج شتابنده ای بخود گرفت تا به عرصه وسیعی در جنبش سراسری ایران مبدل گشت. قیام آبا سردار علیه شاه تهماسب صفوی و بیرون راندن حاکمان زورگویی صفوی از منطقه اترک سرگان، جنبش وسیع توده ای علیه قلدن مابلی نادر و سرسیردگان وی گرچه به بهای کله منار ساختن از سر قیامیون تورکمن انجامید، ولی یکدم در برابر زور سر تسلیم فرود نیارود. سران جنبش و روشنفکران زمانه همچون مختومقلی ها، ملت خویش را در برپایی حکومت مستقل و ملی رهبری نمودند. اینچنین خیزشهای ملی در عهد قاجار شکل وسیعی بخود گرفت. با اشغال تورکمنیستان شمالی در ۱۲ ژانویه ۱۸۸۱ توسط روسهای تزاری و قتل عام بیش از ۲۰ هزار تورکمن در گوگ تپه و تقسیم سرزمینمان در نهم دسامبر همانسال بین روس و ایران مبارزه رهایی بخش ملت ما وارد عرصه نوینی گشت.

پس از عقد قرارداد ۱۹۰۷ و تقسیم ایران بین دو مناطق نفوذ روس و انگلیس، سرزمین تورکمن به اشغال روسها در آمده استقلال سرزمین تورکمن در مقابل دیدگان جهانیان عملاً زیر چکمه های قزاقان روس پایمال گردید. با این حال فرزندان رشید ملت ما با نثار خون خویش دایم با اشغالگران مبارزه نمودند.

با اوجگیری جنبش مشروطه و گسترش آن در شهرهای مختلف ایران منجمله استرآباد، بیش از دوهزار تورکمن برهبری سردار کافی در مسجد جامع شهر به بست نشسته از قیام مشروطه دفاع کردند. برخی از سران مرتجع فارس که چشم دیدن تورکمنها را نداشته ضمناً از شرکت آنان در حمایت از قیام مشروطه احساس حسادت میکردند، به علمای خویش در تهران می نوشتند: "مگر میشود از تورکمنهای وحشی عقب ماند... (عبدالحمید نوایی. اسناد و مکاتبات تاریخی عهد مشروطه. نشر فرهنگ تهران ۱۳۵۵).

بقیه در ص ۱۱

پیش بسوی برگزاري کنفرانس سراسري مبارزين ترکمن!

سفلگان و نخبگان و عقب ماندگی تاریخی

روشنفکران ملت حاکم بر ایران (۳)

فردوسی، آن شاعر و اندیشمند بزرگ ایرانی که در زمان خود مورد بی مهری و آزار سفلگان و روشنفکران قدرت گرای بیگانه برست قرار گرفته و از طرف فقیه طابران بعنوان رافضی مرتد اعلام شده و حتی از دفن جنازه وی در گورستان عمومی ممانعت بعمل آورده و وی را در باغ خانه خویش دفن کردند! مشابه اقدام رژیم ملایان شیعه حاکم بر ایران امروزی در مورد جنازه های زندانیان سیاسی اعدام شده (!!)، در مورد نسلهای بعدی ملت خود، از زبان رستم فرخزاد، پیش بینی داهیانه زیر را بعمل آورده است:

چو با تخت منبر برابر شود همه نام بویگر و عمر شود
تبه گردد این رنجهای دراز شود ناسزا شاه گردون فراز
نه تخت و نه دبیم بینی، نه شهر زاختر، همه تازیان راس بهر
ز ایران و از ترک و از تازیان نژادی پدید آید اندر میان
نه دهقان، نه ترک و نه تازی بود سخنها به کردار بازی بود
چنان فاش گردد غم و رنج و شور که شادی به همراه بهرام گور
بدر با بس، کین سیم آورد خورش کشتک و پوشش گلیم آورد
زبان کسان از بی سود خویش بجوبند و دین اندر آرنند پیش.^(۱)

بازتاب این فرهنگ در میان احزاب و گروههای منتسب به ملت فارس را میتوان در رقابت بسیاری از آنها در نزدیکی به حاکمیت سفلگان شیعه، مذاکرات پنهانی بی پایان بسیاری از آنها با دژخیمان حاکم و تلاش برای بدست آوردن اجازه فعالیت قانونی، حتی از طریق وجهه معامله قرار دادن مبارزات ملت‌های تحت ستم در ایران، همانند اقدام سازمان اکثریت در سالهای ۱۳۵۸ تا سالهای ۱۳۶۰، با جنبش ملی ملت ترکمن و کرد مشاهده کرد.

امروزه، مبارزه احزاب و گروههای ملت حاکم با سفلگان در قدرت، در بهترین حالت به تحت فشار گذاشتن حاکمیت، در پذیرش قوانین آن به خود وی و جاری شدن قانون اساسی مجلس خبرگان فقهای خمینی از طرف جانشینان آن، تنزل یافته است! منحصر سو ظن و حسادت به موفقیت رقبا نیز در میان آندسته از احزاب و گروههای که درحال مبارزه با حاکمیت هستند، تاکنون یکی از موانع اساسی در وحدت و تلاش مشترک آنها در مبارزه با سفلگان حاکم بر ایران بوده است.

فرهنگ گزافه گوئی نیز تا مغز استخوان احزاب و گروههای سیاسی ملت حاکم رسوخ کرده است. همین فرهنگ است که، از یکسو، احزاب و گروههای منتسب به جریان‌های چپ ایران را در چنبره ای از دروغ و تبلیغات یاوه گویانه ای از دستاوردهای تئوری م- ل در

کشورهای موسوم به 'سوسیالیزم واقعا موجود'، و از دستاوردهای تئوری لنینی 'راه رشد غیر سرمایه داری' در کشورهای جهان سوم، طی ده ها سال براتگیخته است. با این دروغ بزرگ بود که تئوری م- ل، در برابر هزاران هزار از مشتاقان رهائی ملت‌های ایران از یوغ ستم ملی و استبداد، بعنوان تنها راه رهایی توده های مردم گشوده شد. باز همین تبلیغات هذیان گونه و سرتا پا دروغ بود که کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی را در برابر انظار این مشتاقان رهائی ملت‌های ایران، در ماورای کره ارض قرار داده و آنرا تبدیل به کعبه آملی دروغین و غیر واقعی ساخت.

اما، این سوسیالیسم دولتی، پرده از چهره این دروغ بزرگ و گزافه گوئیهای احمقانه برداشت. هرچند که های کشف این حقیقت نیز با خارج شدن زندگی هزاران هزار جوانان ایرانی از مسیر عادی خود و تلف شدن آن همه نیرو و انرژی سازنده و آفریننده و صداقت در مبارزه علیه استبداد دیرپا در ایران، در سرابی دست نایافتنی و با ایجاد روحیه یأس و شکست در میان این جوانان پرداخت شد.

از سوی دیگر همین فرهنگ گزافه گوئیهای دیوانه وار در میان احزاب دست راستی ایران از دستاوردها و از دمکراسی و آزادی بی پایان در کشورهای استعماری و امپراطوری سابق جهان و بزعم آنها دردنیای 'بازار آزاد' و 'رقابت آزاد'، پرده ساتری بر جنایات پیشمار آنان در اقصی نقاط جهان کشیده و گرد فراموشی بر حافظه تاریخی نسلی از مردم ایران پاشید. دخالت‌های کشورهای بزرگ سرمایه داری در امور داخلی ملت‌ها، بنام دمکراسی و صدور تکنولوژی و استثمار بی سابقه آنها در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، بنام گشایش اقتصاد بازار آزاد و رقابت آزاد، در این کشورها، توجیه شد. احزاب دست راستی ایران، همانگونه که از قطب مقابل کشورهای سرمایه داری، یعنی کشورهای موسوم به اردوگاه سوسیالیسم، دیوی بلید در انظار عمومی ترسیم کردند، در مقابل از دنیای سرمایه داری نیز فرشتگان آزادی و دمکراسی ترسیم کرده و با کمال میل ایران را در معرض چپاول آنان گذاشتند و در تاریخ استثمار و استثمار آنها را در ایران به فراموشی سپردند. در همان حال نیز، با قلب تاریخ چند ملتی ایران، بر طبل شوینیزم عظمت طلبانه کوبیدند. اما، درهنگامه این هوچیگری ها و گزافه گوئیهای چندش آور از قطب مورد اتکای خود در جهان و از پادشاهان سغله خود و خود فریبی و عوام فریبی ها در زیر طاق دروازه تمدن بزرگ شان، غافل از آن بودند که نیروهایی از گور تاریخ سر بر آورده و برای ایجاد حکومتی سیاه تر از آنان در ایران، در زیر پای این شاهانه هیلله و بی خبری، نقب میزنند!

دارند و یا سر نخ جای دیگری قرار دارد و... امری متداول است و غالباً به یک حرکت و یا یک پدیده جدید همیشه با یک نظر شک و تردید تکریسته میشود.

این تفکر، یکی از موانع عمده فرهنگی در برابر رشد دموکراسی است. زیرا، با مخالفت و متفاوت با قضاوتی از پیش ساخته شده و بدون شناخت از آن، به خصومت برمیخیزد و امکانی برای برخورد سالم و تعلق اندیشه و طرز تفکرها نمیدهد. هر چند که چنین تفکری، ریشه در تجربه تاریخی ملت حاکم دارد. زیرا، حداقل در سده اخیر، وقایع مهم تاریخی همچون ارتباط انگلیسی ها با بسیاری از سران مشروطیت، کودتای ۱۹۲۱ و کودتای ۲۸ مرداد، نقش دولت انگلیس و بعدها دولت آمریکا در عزل و نصب نخست وزیران و وزرای دربار پهلویها از یک طرف و از طرف دیگر، اطاعت محض حزب توده از اتحاد جماهیر شوروی سابق و بعدها سازمان فدائیان اکثریت، همکاری مستقیم سازمان مجاهدین با عراق در دوران جنگ و ... بستر مناسبی را برای تحکیم تفکر توطئه پندار گرایانه فراهم آورده اند. با وجود این نمیتوان مکر حضور اشراق آمیز این تفکر در فرهنگ سیاسی فارس شد. این طرز تفکر، بتدریج در طول زمان با توجه به فرهنگ گزافه گوئی در میان این ملت، زندگی مستقلی از حوادث توطئه آمیز بخود گرفته و فوراً به هر واقعه ای بر چسب 'ساخت خارج' می زند!

در میان نیروهای سیاسی ملت فارس نیز چنین دیدگاهی، ملهم از فرهنگ سیاسی ملت خود، چه سلطنت طلب، چه ملیون، چه چپ ها و اسلاميون، وجود دارد. واژه های سیاسی از این دست در ادبیات سیاسی جریانات سیاسی به اصطلاح مرکزی ایران، به وفور یافت میشوند: 'خان'، 'ستون پنجم'، 'دستهای در کارند'، 'پشت هر کاسه ای نیم کاسه ای است'، 'از جای دیگری آب میخورد'، 'سر نخ در جای دیگری قرار دارد' و... زیرا، منسوب کردن یک فرد و یا یک جریان سیاسی به بینگان که معمولاً منشأ شری بوده اند بسهولت مورد پذیرش عامه قرار میگیرد و براحتی به بی آبرویی آن فرد و یا جریان، منجر میگردد! (۱) علی رضا قلی، جامعه شناسی خود کامگی:

تحلیل جامعه شناسی مار دوش، نشر نی، تهران، ۱۳۷۰، صفحه ۳.

عدم ثبات عقیده و قابلیت تعویض

در میان ملتی مانند، ملت حاکم بر ایران، هیچ جنبشی از یک خصلت بر غیر قابل تعویض برخوردار نبوده و اکثر شرکت کنندگان در آن نیز، فاقد ثبات عقیده و ایمانی راسخ، جهت به فرجام رسانیدن جنبشی که خود آغازگر آنند، بوده اند، زیرا از یکسو، ویژگیهای فرهنگ سیاسی این ملت که مشخصات اصلی آن عبارت از: 'عمل زدگی، مخدوش بودن مرز بیکار سیاسی و بیکار نظری، خشونت، بی اعتنایی به اصول، برخورد جانبدارانسه،

←

مطلق گرایی و توطئه چینی

در فرهنگ سیاسی ملت حاکم بر ایران، اصل اساسی در سیاست، بر مبنای پیروزی کامل یک سوی مجادله و شکست و نابودی مطلق طرف دیگر استوار است. این مسئله، به معنای عدم کفایت مکانیسم کافی در فرهنگ سیاسی این ملت در حل اختلافات از طریق مسالمت آمیز و دال بر وجود مکانیسم، همه یا هیچ چیز، در مبارزات سیاسی احزاب و گروههای سیاسی آن است. اما، در یک نظام دموکراتیک، فرهنگ سیاسی عامه، همیشه بر کثرت گرایی، نسبی دیدن حقیقت و گذشت و ملامت در حل اختلافات استوار است.

دلایل اساسی امر فوق را شاید بتوان در زمینه های، تداوم استبداد، دخالت مداوم دولتهای خارجی در امور داخلی ایران، شرایط دشوار اقلیمی و جغرافیایی و گرایش تاریخی دیگر ملتها در جدائی از مرکز استبداد و شونیسم، توضیح داد. زیرا همین زمینه های تاریخی فوق هستند که به مصالحه، انعطاف پذیری و به دیدگاه نسبی داشتن از مسائل، شکل یک عنصر منفی داده است. بهمین دلیل نیز، در فرهنگ سیاسی این ملت، رهبری که همواره نه با قانون، بلکه با فرمانهای قاطع حکومت میکند و حتی دست به قتل عام می زند، 'لایق'، 'عادل'، همچون 'انوشیروان عادل'، لقب میگیرد. اما، رهبری که از جنایت دوری می جوید، لقب 'ضعیف النفس' و 'نالایق'، میگیرد! گریز از همین داورهای غلط از طرف توده های ملت حاکم است که حتی در تبدیل غیر مستبدان به مستبدان سفاک کمک کرده و شکل گیری ساختارهای متمرکز و فاقد مکانیسم کنترل دولتها، در طی سالیان و قرون متمادی، باز تولید استبداد را در ایران، تشدید کرده است. فریدون نیز عملاً با همان مکانیسمهای اجتماعی مورد استفاده ضحاک و جمشید حکومت را بدست میگیرد و در اوایل حکومت از همان ابزارهایی استفاده میکند که نهایتاً ضحاک و جمشید را اره کردن و اره شدن، میکشد. (۱)

بنابراین، مطلق گرایی سیاسی در میان ملت حاکم بر ایران، هم بر حکومتگر و حکومت شونده غالب است. حکومتگر هرگونه مخالفت و یا انتقادی از سیاستهای خود را با 'خیانت' و 'توطئه برای براندازی' یکسان می شمارد. حکومت شونده و اندیشمندان و روشنفکران آن نیز، معمولاً یا براه خویش رفته اند و هیچ نقشی در تحول جامعه برای خود قائل نشده اند و یا دست به معاشات و بده بستان با حکومتگر مشغول شده اند و یا به سرنگون سازی، از طریق توطئه کمر بسته اند.

اما، کسانی که خود توسل به توطئه چینی جهت سرنگون سازی دولتها را امری عادی می پندارند، امکان توطئه چینی دیگران علیه خویش را نیز در خود بارور میسازند. از اینرو در فرهنگ سیاسی ملت فارس، اظهار نظرهایی از قبیل 'پشت قضیه کسانی دیگر قرار

تفکرسیاسی میباشند، بلکه هر جنبشی نیز در میان این ملت، قابلیت تعویض سریع مواضع خود را دارا میباشند. با در نظر داشت این مسئله، جای تعجبی نخواهد بود که اگر در ایران هر جریان سیاسی، هواداران و اعضای بالقوه خویش تلقی میکند و تاریخ جنبشهای سیاسی ایران، بطور بسیار گسترده ای شاهد تغییر خصیلت و مواضع این جنبشها و انشعابات و جابجایی افراد و اعضای احزاب سیاسی در یکدیگر میباشد.

وضعیت فوق را شاید بتوان تا حدودی مشابه وضعیت دهه های آغازین قرن حاضر در اروپا بویژه دوران ماقبل روی کار آمدن فاشیسم هیتلری در آلمان دانست. زیرا، ایندوره دوره بی تباتی سیاسی و سر آغاز بحرانهای ژرف اجتماعی و اقتصادی در اروپا بود.^۱ در آلمان قبل از هیتلر نیز معمولا یک اتفاق محض بود که تعیین میکرد یک جوانک بی ریشه، به کمونیستها ملحق شود و یا به نازیها.^۲

این پذیرندگی سهل و ساده هر گونه جنبش و یا هر ایدئولوژی ای، صرفاً مختص افراد بالقوه جنبشها و احزاب نبوده بلکه در هر کجای جامعه ای از سواد سیاسی اندکی برخوردار باشد و خود جامعه همیشه آستان حوادث سیاسی و بحرانهای اجتماعی بوده و احزاب و گروههای سیاسی آن در رقابتهای سرسختانه و در پراکندگی بسر میبرند، معمولا افراد و نیروهای بالفعل جنبشها و احزاب نیز تغییر موضع میدهند. مثلا، هیتلر، کمونیستهای آلمانی را ناسیونال سوسیالیست هایی بالقوه تلقی میکرد. بنظر وی، خرده بورژوازی سوسیال دمکرات و رهبران سندیکایی هرگز ناسیونال سوسیالیست نخواهند شد، اما کمونیستها همیشه ناسیونال سوسیالیست خواهند شد.^۳ ارنست روم نیز همیشه بخود میباید که می تواند در عرض چهار هفته سرخ ترین کمونیستها را به یک ناسیونال سوسیالیست دو آتشه مبدل کند^۴

اما، در ایران اکثر انشعابات و جابجاییها در احزاب سیاسی به اصطلاح مرکزی و تغییر مواضع جنبشها در این کشور، عمدتاً برخلاف کارل رادک ها اتفاق افتاده و اکثراً در جهت نظرات ارنست روم ها و هیتلرها بوده است. دلیل آنرا نیز بغیر از فرهنگ سیاسی غالب در میان ملت حاکم در ایران که در فوق به آن اشاره رفت و جدا از خاستگاه طبقاتی و تعلقات اجتماعی افراد شرکت کننده در جنبشها و احزاب و گروههای سیاسی این ملت، در گرایش تاریخی گروههای سیاسی آن در هیتلر منشی عظمت طلبانه و در سواس درونی آنها در تداوم اشغال خاک ملتیهایی که در چارچوب ایران زندگی میکنند و اعمال حاکمیت ملت فارس با محروم ساختن ابدی این ملت از زندگی بنابه طبیعت و سرشت ملی خویش، باید جستجو کرد!

استفاده از ریا و تزویر، مخلفت با اصل آزادی و فردیت و غیره،^۱ است، تأثیری تعیین کننده در بی تبات ساختن خصیلت هر گونه جنبش در میان این ملت میگذارد. از سوی دیگر، در کشوری مانند ایران، استبداد و دیکتاتوری و تجاوز آشکار به حقوق ملتها، بی محابا از طرف هردولتی بطور سیستماتیک اعمال شده و میشود و بواسطه همین اعمال فشار فزاینده و لاینقطع بر توده ها، هر نسلی از ملت های ایران در زندگی خود شاهد حوادثی بزرگ از قبیل، طغیانهای توده ای، انقلابات و اغتشاشات است. بسیاری از مردم خواسته یا ناخواسته، آگاهانه و ناآگاهانه به تلاطم امواج این بحرانهای سیاسی و اجتماعی کشیده میشوند و بویژه جوانان آن، بدون آنکه خود نقشی در ایجاد این بحرانها داشته باشند، به دامان این بحرانها پرتاب میشوند. برای این افراد، جهت پیوستن به یک جنبش، آگاهی علمی از حقوق فرهنگی سیاسی، و اجتماعی متعارف در جهان امروزی و یا جنبش با آئین ویژه و یا با یک برنامه خاص مطرح نیست. وجود انگیزه های متفاوت و فراوانی، توده های مردم، بویژه جوانان را مستعد پیوستن به هر نوع جنبشی، خواه مذهبی، خواه انقلابی، خواه فاشیستی، خواه چپی، خواه ملی و... میکند!

در ایران حتی، به جنبشهای بر میخوریم که هر چند از یک خصیلت و یا برنامه واحدی برخوردار نبوده و طیف وسیعی از منافع متضاد تحت شعار واحدی به حرکت در می آیند که هر یک از شرکت کنندگان تعریف و برداشت خاص خود، از این شعارها را دارند، همانند انقلاب پهن ماه ۱۳۵۷.

جدا از انگیزه های متفاوت شرکت کنندگان در جنبشهایی با خصیلتهای قابل تعویض در میان ملت حاکم بر ایران، که عمدتاً با ناآگاهی از اقدام خود همراه است، تفاوت در تعلق اجتماعی شرکت کنندگان در این جنبشها میباشد که یکی از دلایل اصلی بی تباتی عقیده و سیال بودن صفوف احزاب و سازمانهای سیاسی به اصطلاح مرکزی در ایران میباشد. در صفوف هر جنبش و هر حزب و سازمانی سیاسی به اصطلاح مرکزی در ایران، بسادگی میتوان عناصری از قبیل، انقلابیون صادق و آگاه و یا دوآتشه و ناآگاه و نا صادق، روشنفکران متعهد به تغییر نظم حاکم در جامعه، روشنفکرانی با عقده های شخصی و با انگیزه تسکین عقده های حقارت خود در یک جنبش فراگیر و یا در یک تشکیلاتی سیاسی، فقرا، مجرمین، کسانی که جاپای خود را در اجتماع از دست داده اند، ناسازگاران که شکل انطباق با جامعه را دارند، نوجوانان پرشور و ناآگاه، جاه طلبان، خودخواهان بی بند و بار و لابلای و حتی سست بنیه گان (بدنی یا روحی) و... یافت میشوند!

بنابراین، در میان ملت حاکم، نه تنها هر حزب و سازمانی سیاسی و روشنفکر انقلابی، مستعد تغییر موضع سریع بوده و فاقد تبات

**ايراندا پارس ديلى نادىپ رسمي ديلى
استاتوسىنى (حقوقىنى) قازاندى ؟**

يورت ادي حوكمىنده تانيلپ، اوندا ياشايان ۶۰ مليون ايلتدان ۳۷/۵% ي تورك دىلىنده گورله يان ايراندا پارس ديلى نىنىگ رسمي ديلى استاتوسىنى قازانماغىندان ۷ يىل هم گنچه نوق، اما يورددىنگ اوزاق تاريخىندا توركي يل اوز بارلىغىنى ساقلاماغي باشارپيدير، حاربي نظام دوزگونىنده توركي ديلى اولانلپيدير، شول دوردنن قالان اونلارچا ترمين بوگون هم شول دورقنى ساقلاب گه ليار. بارىپ ۱۵ نجى عاصرا چنلى ايران دىنن بىر يورت يوقدي اونونگ يىرىنه ارکانا ولاياتلار بولوپ، هر ولاياتىنگ اوز حقوقي، ايه مەنلىگى باردى، شول ولاياتدا ياشايان حالقىنگ ديلى يورگونلیدی. تورك اصيللى غازنالى سلطان ساخمیت اوز كوشگىنده اونلارچا شاهيردير عالمي بيغناپ، علمي، مدنيتي اوسدورمنكده اولي حىزمات بيتىردى، اما اول مونونگ ياني بىلن دري ديلى نىنگ ميدانالماغيغا يول بىردى و توركلنىنگ زبانيغا يىرنى دلدورىپ بولماق كىمستىلنر ه اىپ گىلدی. عومان غازنالى پادشالار اوز اىپ بارىان ظالم بوليتكاسىنى، سود سيستماسىنى حالقا دوشوندورمنك بولوپ، اولارنىگ دوشونمه يان دىلىنده يورتمىگى، ادبياتدا بولسا كىسكى دىله ميدان بىرمك كىسلى/اول بوگون هم شنىله/ضررلى دري ديلىنى ياغى بوگونكي پارس دىلىنده يازىلماغىنى حالاپيدىرلار. اوندان سونگر اقي توركي سولطانلار شول ساندان سلجوقلي سلطانلارام حوجه نظام الملك يالى پارس ديلى كىشىنى اوزلرنىنه وزير ادىپ آليارلار و توركي دىلىنىنگ يىرىنه پارس ديلى يورگونلى بولماغيغا مومكىنچىلىك دوره ديارلنر. توركي ديلى حالق ار اسىندا يورگونلى بولوپ قالماغيغا قارامازدان شىغىر، ادبيات و دؤولت ديلى پارس ديلى بولانسي اوجىن آسا- بابالاريمىزنىگ عاصيرلارنىگ دوامىندا دوره دنن ديلى دوراجبار اهمىدىنن دوشوپ اوغرايار. توركچه ايدىليان ايدىملار، فولكلوريك اهنكداكى حالق دوره دىجىلىگى دؤولتدىنن حمايت گورمان عاصيرلارنىگ تولىگىنه سىنگىپ كىديار. كوشك يازىچى، شاهيرلار بولسا، پادشالارنىگ گزونىنى آلاق هم- سرپاي تاما ادىپ يازان قوشغىلاري آلتىنا قاپلانپ، يازوو حاطا گنچىپ، ديوانحانلاردا ساقلانيار و سونگر اقي دوردنر ده يىنه ده شول اثرلر ميللي حازىنا حوكمىنده قورالپ ساقلانيار، اما اوزانلارنىگ، باغشىلارنىگ، لاله حوودىلرنىنگ انچه سي يازوو حاطا گنچمان، دوراجبار يىتىپ يوق بوليار. ايراندا توركي ديلى نىنگ رسمىدىنن قانماغىندا تورك اصيللى صفوتلار اوروغى اولي رول اوينايار. موغان چولىنده تاج گنىش دابار اسىندا شاه اسماعىل ياشولو لارا يوزلنىپ اوزونىنگ ايرانىنگ شاسى دىپ يىغان ادىنده، دابارا قانتاشان ياشولو لار گنگ قالىپ: "بىز ايران دىنن بىر يوردينگ بارديغىنى بىلمه يارىس، ونونگ ادي دىنگه شاهنامادا تورانىنگ ادي بىلن بىله ليكده اغز الپدي، بىز خوراسان، استراباد، كرمان يالى يوردى"

بىليارىس " دىنلرنىنده، شاه اسماعىل: " ايندى من شول داغىق ولاياتلاري بىرلنشدورىپ، مركزلشنن بىر ايران يوردىنى دورنتمكچى بوليارىن " دىيىپ جوغاب بىز يىدور. تورك سردارلاري نىنگ گونچلرنىنه داينانماغىنگ يىرىنه صفوي شالارى دوراجبار اولارنىگ گونچلرنىنى آزالديار، شول اساسدا ۷ سانى تورك طايپاسىندان عمله گنلىپ، باشلارنىدا قىزىل بوزىكلري بولانسي اوجىن قزىلباش ادىنى آلان توپارىنگ يىرىنه، شاه عباس، شاه سؤينن دىنن يورته توپاري دوردىپ، اولاردان حاراي گوزله يار. اول پپايتاغتى تورك توپراغى توورىزنن، اصفهانا اويتگنديار، شايى مذهبىنى يوردىنگ رسمي دىنى، پارس ديلىنى بولسا رسمي ديلى دىيپ جار اديار. يورتدا بىله ياغايىنگ عمله گنلنگىنده گوندىن-گونى انگليسلىرنىنگ دخيللاري نىنىگ بارديغى ايدىنگ، سنناپ دىسنىنگ، عثمانلى تورك دؤولتى گونباتاردا، ايندى بولسا ايراندا تورك دؤولتى نىنگ عمله گنلنگى اولارنىگ اسىداقى كولونىلىستىك سياساتلارنى قاتي ضاربا اورولجاغىنى گورياردىلنر. انگليسلىر حاياتلارنى قاتي ايكي تورك قارداشىنگ ار سىندا اوروش اساسلارنى دوردىپ بىلك باهانالار اغتارپ، نتيجه ده صفوتلرنىنگ مذهبلىرى هم دىلنرنى عثمانلى لاردان تاپولتى بولماغي يولوندا قوللارنى قاوشىپ، شاه اسماعىلنىگ حضورنا گنلارلنر و بىر آز مدت گنچىپ گنچمانكا عثمانلى لار بىلن صفوتلار ار سىندا نالدران دىنن يىر ده اولي سؤوش توريار. انگليسلىر اورشدا يىنگىلنن شاه اسماعىل ياردام بىرمك ماقصادى بىلن توپ ياساپ بىليان دوغانلار ائتوسى هم رابىرت شىرلىنى شاهىنگ كوشكىنه يوللارلار، شنىدىپ هم دوراجبار بو حيله گارلىكى سياسات يول اىپ باشلار. شاه عباس برىتانيادان گنلن انگليس وكىلنه: "من بىر انگليسلىنگ كوشى نىنگ نالىنى، عثمانلى پادشاسى نىنگ تاجىنه بىرمه رىن" دىيىپ يوزلنىپدىر. صفوتلردن سوننگ اوشار توركلرنىندن بولان ندىر شاهمه اوز سويداشلاري نىنىگ باهىدىنى اياق استىنا سالىپ، موغان چولىنده تاج گنىش دابار اسىندا پارس دىلىنه هم شايى مذهبىنه قوللوق اتدجنگىنه سوز بىريار. ندىر شاه توركمىن توپراغىنى انچه گىزك قانا چاقايماق بىلن اوز سوزونده تاپىليار!

توركملىرنىنگ قىلچى نىنگ ساياسىندا يوردينگ تاج-تاغىنى ايه لان قاجارلار حاكمىنت باشىنا گنچن گوندىنن بىنلاكدىنگه پارسلارنىگ باهىدى بولوندا ايلغايارلار. ۱۸۲۹ نجى يىلداقى روسلار بىلن قىلچىن گولوستان هم توركمىنچاي ايللاشيقلارنىدا انزبايجان ايكا بولونيار. ۱۸۸۱ نجى يىلنىگ ۹- نجي دسامبرىنده بولسا توركمىن توپراغى بولونيار. شنىدىپ، توركى دونياسىنه يىتى ضاربا اورىليان بىر واغىندا پارس ديلى هم مدنيتى گون سايبىن اوسيار. ناصرالدين شانىنگ وزىرى ميرزا تقى خان پارس دىلىنده دارالفنون ادىندا اولي اكادميانىنگ دويونى توپ، پارس ديلى هم مدنيتى نىنگ اوسمىنگىنه اولي حىماتلار بيتىرىپ، توركى ديلىنى بسه دوشورىار. غلست اوقوودا ياتان قاجار شالاري نامانىنگ نامه دىگىنى انگلاميارلار.

بىرىنجى جهان سؤوشى يىللارنىدا انگليسلىرنىنگ پلانى دولى عامالا اشىرىلىپ، هر ايكي توركى دؤولت ياغى هم عثمانلى اميراطورلىغى هم ده قاجار دؤولتى دويپ گوتىنر ارادان گوتىرلىيار. يونه اولارنىگ حيله گارلىكى ياساتي اناولىدا پاشمان، عثمانلى دؤولتى نىنگ يىرىنه مصطفى كمال اتاتوركونگ يولباشلىغىندا بوگونكى مدرن توركيه بنا ايدىليار.

دشاري يورتلاردا ياشاپ اوزلارنى پارس حالقي نينگ اؤنگده باريجي كيشيلرنى سايبان سياسي توپار لارينگ- دا بئيله يالان-ياشايىق و اغىظلار ا اينانماقلار ي هم شول اقيم بيلن اماقلار ي بو گون اورتا چيقان ايدىنگ فاككتير . بو "اينتله گنتلر" بئر طار ابدان سوزده اير اندا ياشايان انتيك حالقلار ينگ ميللي حاق-حقوقلار يندان ار قا چيقانكش بوليار لار ، ايري طار ابدان اسلامي رژيمىنگ سياساتىني تاصىقلايار لار . بولار اوز نشير اورگانلارنى پارس ديلينده اليب بارىپ ، ينگه سوز هم انتيك حالقلار ينگ ديللر ينه يازمايار لار يادا يازماغا روغصات بىر مان ، پارس ديلي نينىنگ باي بئر ديلديگىني هم-ده اونونگ يورتدا اورتاق ديل بولماغي اوغروندا ار ريقلار يني قينايار لار . اولار پارس ديلي نينىنگ بئيله كي حالقلار ينگ ديللر يندان ار تىقماچليغي ثبوت اتجك بولوب اغز لار يندا اش قاتيقلايدار لار .

اير اندا پارس ديلي نينىنگ اورناشيشى نيره ه دنن

هم نادىپ اوغور آلدى؟

۱۹۱۱-۱۹۰۵ نجى يىللار ار اسىنداقي مشروطه انقلابى نتيجه سينده اير اندا ياشايان حالقلار ينگ شول ساندان توركمنلار ينگ ميللي آنگ-دوشونجه سي اوسيار . ايلانما-دا مشروطه انقلابىندا گوز اؤنگونه توتولان ايلانما و ولاياتى سينتماسى بو ياغداينىنگ چالاشماغىندا گويچلي رول اونايار . بو سيستم يوردي ولاياتلار ا بولوب ، اول ولاياتلاردا ياشايان حالقلار ينگ اوزى شول بىر ي دولانديرماغا دولى حاق تانيبىار . شوندا ن سونگ توركمنلر ، قاشقايى لار و بئيله ك كي حالقلار ينگ مجلسه وكيل ايىنرمك حقوقي اقرار ادلييار . اما از وقت گنجىپ گنچمانكا ايلكي روسلار ينگ ديكه سي بولوب اولار ينگ دينه نيندنن چيقيپ بيلمه-ايا مامدعلىشاه ، سونگ بولسا روس قشون بولومينده قازاق بولوب ينتيشن ، گيز لىنلكده انگليسلار ينگ قولونا اوزريلن انرضاشاه مشروطه انقلابى نينىنگ بىر ن ميوه لار يني بىر-بىر يولوب ، اونى ماضمون تايدان چوچا چيقار يار لار . ايلانما-دا انرضاشاهنىنگ گويچ باشينا گنچمنگى ۱۹۲۵-نجى يىلدا عثمان آخونينىنگ باشتوتانليغىنداقي توركمن جمهوريتى اوغرونداقي حركتى باسىپ ياتيرماق بيلن همراه بوليار . توركمنلار ينگ ار كىنلىك اوغرونداقي حركتلار يني باسىپ ياتيرماقدا دىنگه انگليسلار ينگ ديكه ي بولوب ، پارس شونونىزيمىني يايىجي انرضاشاه دال-ده ايسنم روس بولشويكلرنى هم اولار بيلن اورتاق ايش اليب بار يدير . بو بار ادا گنلجكداكي ساندان دوروب گنچرىس .

اقميرات گورگنلى

اما اير اندا انگليسلار ينگ ديكه سي انرضاشاه گويچي ايه لاپ توركلنر ه قارشى انگىر با شوونىستىك سياسات يوره ديار . اينها ، بيز ينگ اسياىي صوحبنتيمىز هم بو دورونن بىسلاك باشلانيار . بيز اوز گوررونگيمىزه گيرمىزدن اؤنگ اورس-ينتده بولشويكلار ينگ-ده توركي حالقلار ينا قارشى اليب باران شوونىستىك سياساتىنا دنگىپ گنچمنگى ماخول گوردوك .

توركي جمهوريتلرده شول ساندا بيز ينگ توركمنىستانيمىز دا پسىكولوگىكي ، هم-ده تكتولوگىي تايدان روسلار ا اوركله نن بوركر اتلار عمله گنلدي و بو ظالم بوليتىكا بو گون اوز ميوه سيني بىردى ، اينها ار كىنلىك قازانانيمىز دان ۷ يىل گنچن هم بولسا هنيزه چنل يورتدا روس ديلي ، روس حايطى هم اورس-ينده باقتا بولان سياسات يورنديلپ گنليار .

ايندى اوز اساسى صوحبنتيمىزه اوز بولپ گنلسك .

حاوا ، اير اندا نادىپ پارس ديلي بوگونكى اورنى قازانىپ بيلدى؟ پارس ديلي بئيله كي حالقلار ينگ شول ساندان توركي دىللى حالقلار ينگ ديليندن باي هم قانيم ديلمى؟ بيز بو گنلشيشىگيمىز ده شو و شونگا منگىز ش سور اغلار ا جو غاب بىر ماگه سيناشيارىس .



اىكنجى جاھان سوشىيىندن سونگ اوروپادا تكتولوگىيانينىنگ هم شول اساسدا انسان حالقلار ي نينىنگ قور اغىنگا چيقيان جمعىتلار اوسوب باشلان بىر دورينده ، كاپىتالىستلار اسي ا يورتلار يندا ياتيرىم ياترىپ ، اول يئرلردن چىگ مال قازانماغي ، سؤودا بازار لار يني دوزنتمكده گىنگ مۇچىنر ده ايش اليب بار يار لار . بو پروسس از يلنن حالقلار ينگ دونياده نامه- لىر بولوب گنچىانديگىني انگلاماغا اليب گنليار . بو حالقلار اوز ميللي حاق-حقوقلار يني قازانماق اوغروندا موقاددس گور شه باش قوشيار لار . انگليسلار ينگ باھىيدىني قور اماق اونين اوتوردىلان انرضاحان ديكه سي ، اير اندا پارس بولمادىق حالقلار ينگ بو موقاددس گور شلرنى دىنگه يار اغ گويچ بيلن باسىپ ياتيرماق بيلن چاكلننمان ، ايسنم فارس شوونىسم سياساتىني بارها يايىبانگلانديرىپ ، توركي حالقلار ي اوز ميللي كىملىكلر يندىن داشلاشديرماق اوچىن گىجه-گوندىز دىيمان ، اوقو جايلارىندا ، قازيات-زورناللاردا ، پارس مدنيتىني پروپاگاندا اديپ ، بئيله كي حالقلار ينگ ديللر يني ، مدنيتلر يني ماسغار الاپ اوغرايار لار . بو حالقلار ينگ عاصير لار بويى دوروندىن ميللي مدنيتلر يني اوغور لاپ ، اولار ي پارسلار ينگ تاريخنا هم ادبيات حازىناسىنا قوشيار لار .

مر كزى حؤكومت اوز پروپاگاندا لار يندا اير اندا ياشايان حالقلار بىر-بىر نك-بىر نك دوشونمنك اونين اوز ار ك- ايغىتار لار ي بيلن پارس ديليني اورتاق دىل دىيپ قابول ادندىكلرنى ، هم اونى اوسدور ندىكلرنى ، اوز انه ديللر يني بولسا دىنگه ياشايان توپار لار يندا گونده لىكك گنيله شىك حؤكمينده ساقلاندىقلار يني و اونى ادبىي دىل دنر نجه سينده اوسدور ماندىكلرنى اؤنگه سور يار .

به مناسبت اولین سالروز صدور رأی دادگاه میکنونوس

۱۰ آپریل ۱۹۹۷ روز صدور حکم دادگاه میکنونوس، روز صدور رأی محکومیت تروریسم دولتی جمهوری اسلامی ایران است. زیرا حکم صادره به خوبی نشان داد که ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران مستقیماً توسط ماشین سرکوبگر رژیم ایران به اجرا در آمده است.

دادگاه برلین، علیرغم تلاشهای مذبحانه ی حکام ایران برای منحرف ساختن آن از مسیر واقعی اش و توسل جستن به انواع فشارها و تهدیدها، رأی نهایی خود را صادر کرد. این اقدام دادگاه قضایی آلمان موفقیت چشمگیری برای تمامی مبارزین راه آزادی ایران میباشد.

تحقیقات و بررسیهای دقیق دادگاه میکنونوس نشان داد که کلیه سفارتخانه ها و انواع نهادهای مذهبی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اجرای تروریسم دولتی دست دارند بنابراین همه این ارگانهای تروریست پرور باید مورد شناسایی قرار گیرد و از ادامه فعالیتهای تروریستی و ضد امنیتی آنها جلوگیری بعمل آید و عاملین آنها از کشورهای مربوطه اخراج گردند.

اتحادیه اروپا که در ابر تشنجات ناشی از صدور رأی دادگاه میکنونوس زیر فشار افکار عمومی جهان، روابط اش با ایران با دیگر آگهیایی همراه بود، باید بداند که منطق دیالوگ و انتقاد در قاموس جمهوری اسلامی ایران نمی گنجد. آنها در پی تلافی جویی به هرگونه اقدامی دست خواهند زد.

صدور حکم دادگاه شرع جمهوری اسلامی بر علیه بازرگان آلمانی به جرم زنا، با این تلافی جویی بی ارتباط نیست. اما افکار عمومی جهان و آزادیخواهان دیر زمانی است که به ماهیت ضد بشری جمهوری اسلامی پی برده و بخوبی آگاهند که سیاستهای دول غرب با حقوق ملتها و جنبش دمکراسی در ایران مغایرت دارد.

کف کردن دهان سران جمهوری اسلامی از حکم دادگاه میکنونوس موید اصابت ضربه ای تکان دهنده به کالبد این سیستم ستم ملایی میباشد. لذا با توجه به این امر اپوزیسیون خارج از کشور باید همسو با جنبش آزادیخواهی مردم ایران، مبارزات خارج از کشور را حول در خواستههای معینی پیگیری نموده و اهمیت آنرا بیشتر درک نماید.

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن

۱۲ آپریل ۹۸

دنباله نخبگان و سفنگان ...

- (۱) - پهنزاد سرمدی، 'تأملاتی در باره فرهنگ سیاسی ایران'، اختر دفاتر هشتم و نهم.
- (۲) اریک هوفر، روانشناسی توده ها و جنبش ها، ص ۳۴.
- (۳) هرچند که از جبهه مخالف آنها، کارل رادک، 'بیراهن قهوه ایهای نازی SA' را به منزله نیروی سربراز ذخیره کمونیستها، تلقی میکرد. (۴)
- (۴) هیتلر نبرد من.
- (۵) ارنست روهم، (۱۸۸۷-۱۹۳۴) سیاستمدار نازیست آلمانی. در کودتای هیتلر در سال ۱۹۲۳ شرکت داشت و در سال ۱۹۳۱ رئیس ستاد SA شده در سال ۱۹۳۴ بعلت مخالفت با هیتلر تیرباران گردید.
- (۶) SA، مخفف Sturmabteilungen، سازمان شبه نظامی نازی میباشد که در بین سالهای ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۵ اقدامات رزمی و تروریستی میکرد.
- (۷) کارل رادک (۱۸۸۵-۱۹۳۹) سیاستمدار کمونیست لهستانی - شوروی. بعد از مرگ لنین به تروتسکی پیوست و در سال ۱۹۲۷، از حزب اخراج و در سال ۱۹۳۶ دوباره به حزب پذیرفته شد. اما، در سال ۱۹۳۷ در جریان پاکسازیهای استالین قربانی شد و فقط در سال ۱۹۶۲ بود که از وی اعاده حیثیت شد.

تورانی

ایراندا میلی مسئله باراسیندا

ایلنرکی آذربایجانینگ "واحد مستقل جبهه سی" نینگ ارگانی بولوپ تبریزشاهرینده چاپ بولیان "جارچی" قازیاتی اوزونینگ ۴-نجی نومرینده میلی مسئله باراسیندا دوروپ گنجیپ، آذربایجانینگ بیرلیک ارکین فرونتی "جبهه" نینگ بیلدیریشینی چاپ ادیدیر. بو مسئله ایراندا یاشایان تورکمنلری هم قیزیقلاندیرینی اوچین شول بیلدیریشی نشریامیزینگ شو سانیندا بئرلنشدیرمگی ماخول گوردیک:

۱-نجی: ایران رژیملری آذربایجانینگ ایراندان آیریلماغینا راضیچیلیق بیره رلنرمی؟

بوگون ایراندا حاکمیت باشیندا دوران اسلامی حکومت یادا گنلجکده تاهراندا گویچ باشینا گنچن هر بیر رژیم، بیزه قارشى کولونیالیستیک و باسیبالجیلیق قارایشیندان ال چکنمز، کولونیالیستلار بولسا اوز کولونیالارینا حاییر دوغا بیلن ارکینلیک بئرمنزلنر. بو تاهرانینگ شوونیستلارینا هم دنگیشلیدیر. بیزینگ بیرلیک ارکین فرونتیمیز بو حاقیقاتی گوز اونگه الماق بیلن، اوز دموکراتیک اوی-دوشونجه، ایده ال و پرسپیلترینه باغلی قالیپ، گونورتا آذربایجانینگ ایراندان آیریلماق پروسسینده دموکراتیک حقوق قارایشینی اوزونه بایداق اده ر. یاغنی اوز القی چکسولو اکیادا بولیشی کیمین، تاهران رژیمی بیلن گونی گنپله شیکلنر یولی بیلن، یادا حالقارا قورامالارینگ، انسان حالقارینی قورایان جمعیتلار و دؤولتلرنینگ شول ساندان آمریکا بئرلنشن دؤولتلرنینگ قاتناشماغی هم آرا دوشمنگی بیلن قان دؤولمزدن عامالا اشماغی نینگ طاقیندایر. فرونتینگ تاسلاماسیندا بیان ادیلیشی کیمین آذربایجان ارکین فرونتی بو آیریلماق پروسسینده حاتتا یکنجه آدمینگ هم بورنونینگ قانماغینا راضی دالدیر. اگر تاهران رژیمی بو مدنی و انسانی یولی قبول ادمان، آذربایجان حالقینا قارشى اوز باسیبالجیلیق سیاستینی دوام اتدیریب، حالقیمیزی یسیرلیکده ساقلماق ایسله سه اوندا بو سیاستینگ گنتیرجک نتیجه لرنیندن و دؤولجنک قانلاردان آذربایجان حالقی و اونونگ میلی اذات ادیش حرکتلنرینده قوشولان قوراملار جوغاپکارلی بولمان، اول، دینگه تاهران رژیمی نینگ گوناسی ساییلار. گونورتا آذربایجان فرونتی حالقیمیزینگ میلی باهییدینی ناظارا آلیپ، ارکینلیک بولونداقی آلان قارارلاری هم قاراشسیرلیق بولونداقی گوره شیندنن ال چکنمه جکدیر. هر باهاسینا

بولسا بولسون، آخر سونگگی میللتیمیز اوز ارکینلیگینی قاویشجاقدیر.

تاهران رژیمی نینگ شوونیزی یا ایچی ایدنولوگیسی، یاساما تنوریالاری و قالیپلشدیریلان تاریخی، آذربایجان حالقی نینگ اذات ادیش هم میلی گوره شینه قاتناشینلاری اصلا قیزیقلاندیرمایار.

۲-نجی: آذربایجان توپراغیندا یاشایان بئیله کی آرساتلی اتیک حالقلارینگ ایقبالی ناحیل بولار؟

بوگون ایلنرکی آذربایجانینگ میلی توپراغیندا تورکلنردن باشغا اتیک حالقلارینگ یاشایاندیغینی انکار ادیب بولماز. اولارینگ کیچی بیر توپاری بیللارینگ دوامیندا اوز ایسلنکلنری بویونچا بو توپراقتا بئرلنشن بولسالار، اولی توپاری، دیکتاتور انرضاشانینگ دؤورینده شوونیست سیاستی نتیجه سینده بو بئرلنره گؤچوریلیپ گنتریلیار و بو یاغدا ی هننیزه چننلی دوام اتدیریلیپ گنلیار. بو ایشدن اساسی مقاصات، آذربایجانینگ توپراق بئرلیگینی بوزماق، میلی ایه منلیگی یوق ادمک و حالقیمیزی آسسیمیله ادیب بئیله کی حالقلارینگ آراسیندا اریتمنکدیر. ادیل شو بیر واغتنینگ اوزونده تاهران شوونیستلاری حالقلار آراسیندا آغزالایق دؤره تمک اساسلارینی تاییار لاماق بیلن بو داواجنجلنردن پندالانیب، حالقلارا قارشى اوز آغالیغینی سوردورمگی نینت ادنیپ گنلیار.

آذربایجانینگ ارکین فرونتی بو حاقیقاتلارا دایانیب، شنیه آغزالایقلارینگ اونگونى الماق اوچین اوز دوزگون ناماسیندا حالقلارینگ ادارى بؤلونشیگی و دولاندیریشینی ماصلاحات بئردي. شنیه لیک بیلن آزیچیلقتا دوران اتیک حالقلار آذربایجانینگ باش قانونینا بویون بولوپ، اوز انه دیلنرینی، میلی مدینیتلرینی و داپ-دسسورلارینی قوریب ساقلاپ اونی اوسدوریب بیلنلنر. مونگا، تاریخی باقیشدان اساسسیر بولان باشغا اوی-دوشونجه لئر چؤزوم یولی بولمان، ترسینه دورلی قاپماقارشیلیقلارا آلیپ گنلجنگی ایکوجسیردیر و داشاری یورتلی ال قاتیجی سیاستلارینگ قوشولماغینا سباب بولار. گونورتا آذربایجانینگ چاگینگ اویگنمگی، باش قانوندا آغزالان اسالاردا بولمالی، حاق، حاقلا بئریمه لیدیر.

اوز دوغدوق دیارلاریندان گؤچوپ یادا گؤچوریلیپ باشغا بیر حالقینگ توپراغیندا یاشایان حالق، اول توپراغینگ بئرلی ایلاتی ساییلمانی، اول یوردینگ واطانداشی دییب قاپول ادیلنر. میپال اوچین آمریکانینگ گونورتا اشتاتلاری اسپانیا و باشغا دیلنرده

۷۵- مین سالگرد جمهوری تورکمنستان

دنباله از ص ۱۱

بدین ترتیب قیام وسیع و فراگیر ملت تورکمن بعلت کمبود سلاح و مهمات و نیز با دخالت نیروهای خارجی با کمک هواپیماهای یونکرز انگلیسی، خلبانان آلمانی آن که در خدمت قشون سرتا مسلح رضاخان قرار داشتند در اکتبر سال ۱۹۲۵ با سقوط شهر گنبدقباوس شکست خورد.

دنبال شکست قیام تورکمنستان جنوبی سران جنبش از آنجمله عثمان آخون، آله یار خان و دیگران به جمهوری تورکمنستان پناهنده شدند. و در دوران تصفیه خونین استالینی بطور مرموزی بقتل رسیدند. کانون فرهنگی-سیاسی خلق تورکمن بارها از دولت تورکمنستان نحوه قتل رهبران جنبش و نخستین رئیس جمهور تورکمنستان جنوبی و محل دفن آنها را جویا شد ولی تاکنون جوابی به این پاسخ داده نشد.

قیام جمهوریخواهی تورکمنهای گرگان در شرایط آنروز ایران تکراری بسیار پیشرفته بود چرا که این طلب پس از گذشت ۷۵ سال یعنی در سال ۱۹۷۹ از طرف ایرانیان بوقوع پیوست. اما حاکمان ایران و نیروهای سیاسی به اصطلاح اپوزیسیون، بدون توجه به افکار انقلابی تورکمنها به این سادگی به خواست برحق و عادلانه تورکمنها جواب مثبتی نخواستند داد. ولی آنها یک چیز را فراموش میکنند و آن اینکه شرایط امروز ایران و جهان همانند آستانه قرن بیستم نمی باشد.

در چنین شرایط سیاسی خلق نیم میلیونی چچن توانست ارتش تا بدندان مسلح روس را بزانو در می آورد، آلبانی ها، صربهایی را که تا دیروز خود را یگانه خلق یوگسلاوی قلمداد میکردند را به عجز و لابه در آورده که "ترا بخدا ما بشما خودمختاری میدهیم شما فقط شرط جدایی طلبی را کنار بگذارید".

نیروهای سیاسی ملت تورکمن و دیگر خلقهای تحت ستم شورویستهای حاکم بر ایران باید از این شرائط تاریخی کمال استفاده را نمایند.

بار دیگر فرارسیدن سالروز اعلام جمهوری تورکمنستان جنوبی را به تمامی پیوندگان این راه مقدس تبریک گفته در مقابل شهدای کبیر خلیمان روم رومی ها، کوچک کورها و بورجق کتته ها سر تعظیم فرود می آوریم.

ماغیمغولی بو دیر دردینگ

صاحبی گنرگ هر یوردینگ

شیر ضاربین گورمه یان قوردینگ

هر مورتی بیر تیره دونه ر.

گورله یارلنر و اولارینگ همه سی آمریکان و اطانداشی حاساپلانیار. شنیلهده بوگون آلماندا ۲ میلیون قولا ی تورک و اطانداشی یاشایار، حانتا اولاردان بیر میلیون قولا یی برلینده دیرلنر، اولارینگ بیر انتتگی شول یورتدا دوغوبدوشاندیرلنر، اما اولارینگ هیچ بیرسی اوز دوغلان یئری یا یوردی بولان آلمانی تورکیانینگ بیر بولنگی یادا تورکیانینگ توپراغی دییب بیلمنلنر. بو دیدیگیمیز، بوگون حایسی سباب بیلن آذربایجانا گنل بولسا بولسونلار، اولار دیلی، دینی و میلی کیملیکلرنی بیتیرمه دنن آذربایجان و اطانداشی ساییلار و بو حقیقات باش قانونیمزده هم گوز اونگونه توتولاندیر.

۳-نجی: دونیا دولتلری آذربایجانینگ ارکینلیگه قویشماغینا ناخیل باقیارلار؟

حالقار ا جمعیته نوقتای ناظریندان باقاندگا آذربایجان ارکین فرونتی رگیونده پاراحتیجیلیغی و دوروقلیلیغینگ طار ا فیندادیر. بودا دینگه گونورتا آذربایجانینگ اوز ارکینلیگینه قویشماغی و سونگوندا هر ایکی آذربایجانینگ بیریکمگی بیلن حاصل بولوب بیلنر. بیزینگ فکریمیزه گوزا دموکراتیک، حقوق دولتتینه و قانون آرقالی ۴۰ میلیونلیق دونیوی آذربایجان دؤوله تی نینگ عمله گنلمنگی رگیونده مدیمی لیک بیر پاراحتیجیلیگ گارانتیاسیدیر. گونورتا آذربایجاندا ۳۰ میلیون آذربایجان حالقی نینگ اوز گنلجکینگی هم ایقبالینی اوزی کنسگیتلاماگه دولی حاقایدیر. بو حاقا گوز یوموپ، سوزده پاراحتیجیلیق یار اتماق، ادیل ایرلاندیادا یادا باسک دا بولیشی کیمین ترور و آنتی ترور ینللری اؤسدوریپ بیلجنگی اوز- اوزوندن مالیم. بو، نه آذربایجان میللتینه، نه ده دنیا جمعیتنینه، نه ده انسان حاقلارینی قورایان قورامالارینگ و نه ده نفت کامپانیالارینگ باهیدینه بولار. باشغا بیر سوز بیلن آیدیلاندا اوزلسرینی دموکرات سایان انسانلار، آذربایجان حالقی نینگ توسساغلیقدا یاشاماغینا گوز یوممالی دالدیر.

گونورتا آذربایجان ارکین فرونتی بو اوغوردا بوتین دونیا دولتلری شول سانندان آمریکای بیرلشن دولتلری، گونباتار یورتلاری بیلن اورتاق ایش آلیپ بارماغا تاییار دیغینی جار ادیار. بو یاغدا گنلجکده ایقتیصادی و سوزدا بوداقلاریندا باغلاشیلجاق شرط نامالاردا هر ایکی طار اپینگ باهیدینه بولوب بیلنر.

گونورتا آذربایجان ارکین فرونتی ارکانا، دموکراتیک و گویچلی بیر آذربایجان دولتی نینگ عمله گنلمنگی، بوتین حازار رگیونیندا دوروقلی و پاراحتیجیلیق یاغداپینگ دوره منگینی ایسله یار.

تبریز ۱۹۹۷/۱۰/۱۰

جارچی نشریه سی. ۴-نجی سان ۱۰ آذر ۱۳۷۶

MILLI KALENDARIMIZDAN
MAY AAYINDA BOLUP
GEÇENTAARIYHI
WAAKAALAR

حوادث تاریخی ماه مه در تاریخ ترکمن

- مه ۱۹۱۵ - شورش عمومی ترکمنها علیه روسها و مخالفت آنان به دادن سرباز و نیرو در ایام جنگ جهانی اول.
- ۱۰ مه ۱۹۲۴ - اولتیماتوم حکومت تهران به مبارزین ترکمن جهت تسلیم و تحویل اسلحه.
- ۲۰ مه ۱۹۲۴ - کنگره سران ترکمن در روستای اومچالی، رد اولتیماتوم حکومت، اعلام جمهوری ترکمنستان جنوبی، انتخاب عثمان آحون بعنوان نخستین رئیس جمهور.
- ۱۲ مه ۱۹۲۵ - اعزام هواپیمای جنگی یونکرز جهت سرکوبی انقلابیون ترکمن توسط رژیم تهران.
- ۲۰ مه ۱۹۲۵ - دومین کنگره سراسری رهبران انقلابی ترکمن در کومیش تپه.
- مه ۱۹۲۶ - افتتاح کنگره بزرگ تورکولوگ ها در باکو و تصویب الفبای لاتین در تمامی جمهوریهای ترک زبان.
- مه ۱۹۳۰ - افتتاح دومین کنفرانس علمی بررسی زبان ترکمن در اشغابات توسط قایغیسیز آتابای.
- مه ۱۹۳۴ - بنیانگذاری اتحادیه نویسندگان ترکمن در جمهوری ترکمنستان.
- مه ۱۹۳۶ - برگزاری نخستین کنگره زبان ترکمن در اشغابات.
- مه ۱۹۴۰ - تغییر اجباری الفبای ترکمن از لاتین به کریل (روسی) به فرمان استالین.
- * افتتاح گمرک حصارچه بین ترکمنستان و ماراوتپه.
- مه ۱۹۴۲ - تئاتر ابرا و بالت ترکمنستان نخستین نمایشنامهی ترکمنی "آلدار کوسه" را بروی صحنه آورد.
- ۴ مه ۱۹۴۴ - فوت نویسنده بنام ترکمن بنام نورمراد ساریحانوف.
- ۹ مه ۱۹۴۵ - پایان جنگ جهانی دوم و نابودی فاشیسم هیتلری. در این جنگ نزدیک به یکصد هزار ترکمن قربانی جنگ شده، دهها ترکمن روانه اردوی کار اجباری شد.
- ۱۲ مه ۱۹۴۶ - مینگ گسترده ترکمنها در گنبدقاپوس بحمايت از جنبش ملی آذربایجان، محاصره تظاهرکنندگان توسط ژاندارمهای مسلسل بدست، سخنرانی هیجان آمیز سافار انصاری.
- ۷ مه ۱۹۴۸ - تظاهرات اهالی بندر ترکمن در اعتراض به گرانی نان.
- ۷ مه ۱۹۵۷ - فوت خواننده بنام ترکمن مختومقلی قارلی در شهر داش حاویز.
- ۱۲ مه ۱۹۶۲ - رسیدن آب آبی دریا (جیحون) توسط کانال قاراقوم به اشغابات.
- ۳۱ مه ۱۹۶۲ - ورود سرلشکر مزین بعنوان نماینده مخصوص محمدرضا شاه به گنبد و بجنورد. جنایات شدید مأمورین املاک و ژاندارماری در غصب زمینهای کشاورزی اهالی میوت، قیزیلجا پشمک، آتاباد، پیراوش، حوجه لار گرکز و...
- ۲ مه ۱۹۷۱ - فوت شاعر انقلابی ترکمن قارا سنئلی Gara Seyityli
- ۲۴ مه ۱۹۷۹ - بخشنامه دولت بازرگان مبنی بر انحلال ستاد مرکزی شوراهای روستایی ترکمنها.
- ۳۰ مه ۱۹۷۹ - گسترش وسیع شوراهای روستایی. بشهادت رسیدن ۳ تن از دهقانان روستای کوچک ناظراحانی توسط پاسداران کمیته انقلاب اسلامی علی آباد.
- ۷ مه ۱۹۸۱ - شهادت صیاد، بردي مراد توماج بدست پاسداران گارد شیلان خزر.
- ۱۰ مه ۱۹۸۴ - برگزاری ۲۵۰مین سالگرد شاعر ملی مختومقلی قرآغی در آق توقای، مزاحمت شدید پاسداران مبنی بر برچیدن مراسم بزرگداشت.
- مه ۱۹۸۸ - تظاهرات جوانان اشغابات و نبیت داغ علیه سیاستهای دولت و حاکمیت روسها.
- ۱۸ مه ۱۹۹۱ - برگزاری نخستین کنگره اتحادیه انسانی ترکمنهای جهان در اشغابات.
- * حمله سپاه پاسداران بندر ترکمن به جشن عروسی و بقتل رساندن کارگر ترکمن الیاس ارازقلیچی.
- مه ۱۹۹۲ - فوت خواننده بنام ترکمن نوربردی قول
- ۱۸ مه ۱۹۹۲ - تصویب قانون اساسی نوین ترکمنستان مستقل توسط پارلمان.

تهیه و تنظیم: آ. گورگنلی

نشریه گنگش از يك جریان یا حرکت سیاسی خاصی تبعیت نمیکند. هدف اساسی ما در این مقطع فعال ساختن جنبش ملی ملتمان، باز کردن فضای سیاسی و تداوم بحثهای سازنده و در نهایت گرد آمدن در مجمعی سراسری می باشد.

کلیه فعالین سیاسی و اجتماعی ترکمن و دیگر کسانی که در رابطه با مسئله ملی و حقوق ملل ساکن ایران پیشنهادهای دارند می توانند نقطه نظرات و دیدگاههای خویش را از تریبون گنگش ارائه نمایند. نشریه ما یکایک پیشنهادهای رسیده را با صبر و حوصله کافی مطالعه و در سطح جنبش مطرح خواهد کرد.

بمناسبت ۷۵- مین سالگرد...

در این میان حاکمان سرسپرده استبداد در مناطق تورکمن نشین، بدستور کنسول روس در استرآباد و صدراعظم مرتجع در شهرهای استرآباد و بجنورد آتش غارت و چپاول را شعله ور ساخته، روستاها را به آتش کشیده، زوار خراسان را چاپیده و تمامی این گناهان را بگردن تورکمنها می انداختند تا زمینه یک تهاجم وسیع به منطقه را فراهم سازند.

با پیروزی انقلاب مشروطه در ایران اقلیتهای ملی دو موفقیت بزرگ کسب نمودند. یکی به تصویب رسیدن طرح ایالتی و ولایتی در کشور و دیگری حق انتخاب نماینده برای مجلس شورایی بود. بعدها رژیم منحوس و دست نشانده رضاخان این حقوق مردم را انکار کرد. و این انکار تا به امروز ادامه دارد.

پس از روی کار آمدن نظام بلشویکی در روسیه و گسترش آن در تورکستان و بویژه پس از استقرار جمهوری تورکمنستان شمالی در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۴، خیزش ملت تورکمن در جنوب هیجان و شدت بیشتری بخود گرفته قیام عمومی ۱۹۲۴ اهالی اترک- گرگان به اعلام جمهوری تورکمنستان منجر گردید.

همانگونه که فرماندار نظامی دایره تورکستان روسها در تاشکنت ژنرال کروپاتکین با شلاق بر مردم این مناطق حکم میراند، دست نشانندگان وی در منطقه استرآباد نظیر ژنرال مادریتوف زمینهای کشاورزی تورکمنها را غصب و آنرا میان مهمانان ناخوانده آبی همچون روسها و ارمنی ها تقسیم می کرد. حکومت ظاهری قاجارها که عملاً نامی از آن باقی مانده بود به اینگونه جنایات روسها علیه رعایای خویش چشم می بست و فکر دفاع از تورکمنها را حتی در مخیله خود نمی گنجاند. روسها با کمک دست آموزانی چون میرزا تقی خانها بر سراسر دستگاه حکومتی قاجار کنترل بی حد و حصری داشتند.

قیام کنندگان تورکمن با متحد کردن تمامی طوایف توانستند ضربه مهلکی بر قشون روس وارد کرده آنها را مجبور به ترک سرزمین خویش کردند. این نبردهای جانانه را مردانی چون عیمان آخون، نفس سردار، گؤکسی صوفی، حاج محمد پاتنگ، آله یار حان و آناگلدی سردار رهبری کردند.

در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۴ جمهوری سوسیالیستی تورکمنستان رسماً اعلام گشت. دنیای آنروز به دو بلوک سوسیالیسم و کاپیتالیسم تقسیم گشت. جنبش آزادیبخش ملل ایران شتاب فزاینده آبی بخود گرفت. امپریالیسم انگلستان بمنظور در هم کوبیدن این جنبشها طرح شومی را در ایران پایه ریزی نموده زمینه سقوط حکومت ترکان قاجار را فراهم نمود. و بدنبال آن برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران یک حکومت دست نشانده بیگانه تحت سرپرستی رضاخان تشکیل یافت. هدف اساسی انگلستان از این اقدام بوجود آوردن حکومت مرکزی مقتدر و گوش به فرمان خویش در ایران از طریق گسترش شوونیسم فارس و غارت منابع زیرزمینی از آنجمله نفت مناطق عرب نشین ایران بود. رضاخان برای خوش رقصی در برابر ارباب قیام اعراب برهبری خزعل، قیام گیلان برهبری میرزا کوچک خان و قیام تورکمن برهبری عیمان آخون را با قتل عام بیرحمانه سرکوب نمود.

حکومت بلشویکی روسیه با امضای قراردادی موسوم به "قرارداد دوستی ایران- شوروی" در سال ۱۹۲۱ عملاً با اهداف انگلستان در ایران همراهی نمود. رضاخان با مشاهده این حرکت روسها با خیال راحت در پی تدارک قشونکشی به سرزمین تورکمن برآمد. و در نخستین اقدام التیماutom تسلیم سلاحها را عرض یک هفته صادر نمود.

در ۲۰ ماه مه ۱۹۲۴ سران جنبش در روستای اومچلی (از توابع بندرتورکمن) گرد آمده نخستین قورولتای(کنگره) خویش را

برگزار نمودند. کنگره سران تورکمن التیماutom حکومت تهران را رد نموده به اتفاق آرا در سرزمین تورکمن نظام جمهوری اعلام نموده، عیمان آخون را به ریاست جمهوری برگزیده طبق سنت تورکمن وی را در نمذ سفیدی نشانده سه بار بدور مناره گنبدقابوس گرداندند. از دیگر تصمیمات متخذه در کنگره اومچلی اعزام نمایندگان به جمهوری تورکمنستان و درخواست کمک از آنها بود. رهبران جمهوری تورکمنستان قایغیسیز آتابای و ندیربای آیتاک، فرستادگان کنگره اومچلی را بگرمی پذیرفته همه نوع قول مساعد به آنها دادند ولی روسهای حاکم بر جمهوری، قرارداد ۱۹۲۱ را بهانه قرار داده مانع از ارسال کمک به برادران تحت اسارت حکومت ایران شدند. در این رابطه سندی در مرکز آرشو حزب کمونیست تورکمنستان نگهداری میشود که بر طبق آن قایغیسیز آتابای و ندیربای آیتاک خواهان ارسال کمک به گرگان شده بودند.

"اعلام جمهوری تورکمنستان در مناطق اترک-گرگان هم در مطبوعات داخلی و هم در مطبوعات خارج از کشور منعکس گشت. نماینده دولت شوروا در امور آسیای مرکزی گرمان، در تاریخ ۳۱ اگوست ۱۹۲۴ به کمیته مرکزی حزب در مسکو اینگونه گزارش داد: "تورکمنهای ایران، در داخل مرزهای ایران جمهوری مستقل تورکمن را اعلام نمودند. حکومت برای سرکوبی قیام تورکمنها قشون بزرگی تدارک می بیند". همچنین عیمان آخون طی نامه ای از سفیر بریتانیا در ایران سرپرستی لورن تقاضای محافظت تورکمنها از بین دو آتش روس و ایران را میکند". (همت آتایف. جنبش آزادیبخش خلق تورکمن. ۱۹۲۵-۱۹۱۶)

حاکمیت دست نشانده انگلستان در ایران وجود ملل مختلف را در ایران انکار کرده، قیام از ادیخواهانه تورکمنها را گناهی ناخوشودنی می دانست و هرطور که شده می بایستی آنرا سرکوب نمود. رضاخان در اولین گام سران قشونهای گیلان، مازندران و خراسان را به تهران فراخوانده تعلیمات لازم جهت سرکوبی تورکمنها را صادر میکند.

سران قیام برای دومین بار در کومیش تپه گرد آمده در راستای تدارک اسلحه به شور و گفتگو نشستند. افسران جوانی که از ترکیه جهت حمایت از جنبش آمده بودند یک مدرسه نظامی را ترتیب داده به آموزش نظامی جوانان تورکمن پرداختند. فضای متشنج سیاسی و نظامی تا اوائل ۱۹۲۵ ادامه یافت.

در ۲۵ فوریه ۱۹۲۵ حکومت مرکزی به منظور سرکوب نهایی تورکمنها ۴ دسته قشون سرتاپا مسلح را به سرزمین تورکمن اعزام نمود. پایبای عملیات نظامی اعلامیه هایی مبنی بر تسلیم شدن از هواپیماهای جنگی بر سر تورکمنها ریخته میشد و چون این تهدیدها نتیجه آبی نبخشید بمباران مقطعه آغاز گشت. "بر طبق نوشته روزنامه انگلیسی تایمز در شماره پنجم ژوئن خود از بهلاکت رسیدن بیش از سی تورکمن در بمباران روز دوشنبه خبر میدهد" (همت آتایف. همانجا) عملیات وحشیانه ژنرال زاهدی در حاشیه خزر و بویژه به آتش کشیدن روستای سالاخ (که عین آنرا رژیم اسلامی در روستای بدلجه تکرار کرد) و نیز بی اعتنایی فرمانده قشون خراسان جان محمد خان به قسمی که بر قران خورده بود که مال و جان و ناموس تسلیم شوندگان در امان است بر علیه تورکمنهای گوکلان و ... نمونه های کوچکی از انتقامگیری وحشیانه حکومت رضاخانی بود. و عجب اینکه نویسنده بنامی همچون باستانی پاریزی در کتاب خود بنام "هشت الهف" جنایات جان محمد خان و تیمسار مزین این سنگ زنجیری محمد رضاشاه در سرزمین ترکمن را مورد تحسین قرار داده، ظلم و ستم آنانرا به ملت ترکمن "تلنگر خشم خدا" می نامد. پاریزی به بزرگترین مقدمات ملی و ادبی نه تنها ترکمنها بلکه فیلسوف گرانقدر مشرق زمین "مختومقلی" توهین بسیار زنده ای روا داشته، وی و پدر عالمش "دولت مأمذ آزادی" را رازهن معرفی میکند (هشت الهف. چاپ دوم. ۱۳۶۸. نشر نوین صص ۳۶۵ و ۳۹۵ تهران)

گسترش مواد مخدر در دوران ژرفای نظم نوین جهانی!

بنابه نظر کارشناسان مبارزه با مواد مخدر، تا سال ۱۹۹۰ در کل دنیا، ۲۰۰ هزار متریک تن یا هر متریک تن ۱۰۰۰ تن مواد مخدر در گونه های مختلف آن تولید و وارد بازار جهانی این کالا میشد؛ اما، با سقوط امپراطوری شوروی و با آزاد شدن بسیاری از مناطق حاشیه ای و با نتیجه با فروکش کردن مبارزه این امپراطوری با کشت و تولید مواد مخدر در کشورهای آسیای میانه و در اقمار پیرامونی خود، تولید مواد مخدر بزودی به مرز E- متریک تن در سال رسید!

اگر دیروز، تنها از فکر وارد کردن مواد مخدر به امپراطوری شوروی، تن قاچاقچیان حرفه ای به لوزه در میآمد و فقط از میان انواع مختلف مواد مخدر، تنها تریاک برای کشورهای آسیای میانه این امپراطوری شناخته شده و مورد مصرف بیماران خاص، پیر مردان و مقامات بالای دولتی و حزبی (!) بوده است، امروز اپیدمی مواد مخدر، بویژه هروئین سر تا پای این جمهوریهای سابق امپراطوری شوروی را فرا گرفته است. در خود فدراسیون روسیه روزانه ۱۳ میلیون دلار مواد مخدر بفروش میرسد و اگر دیروز درد بزرگ اجتماعی مردم شوروی سابق، بخصوص در روسیه، مصرف بسیار بالای الکل و ناهنجاریهای اجتماعی غیر قابل جبران آن گریبانگیر این کشور بود، امروزه مواد مخدر نقش درجه اول را در این رابطه ایفا می نماید. در روسیه، فقط در میان جوانانی که بخدمت سربازی فرا خوانده میشوند، بغیر از ۹٪ معتادان سابق و همیشگی به الکل ۱۲٪ معتادان به مواد مخدر یافت میشوند!*

وضعیت کشورهای نو استقلال آسیای میانه ای امپراطوری سابق شوروی نیز از فدراسیون روسیه وخیم تر است. در نیمه اول سال ۱۹۹۷ در گزارش ژنرال آقمیراد کابولوف، فرمانده کل مرز بانی ترکمنستان در جلسه اعضای G.U.S در مسکو قید شده است که، فقط در مرزهای جنوب و جنوب شرقی ترکمنستان، E- تن مواد مخدر طی شش ماهه اول سال جاری، بوسیله مرزبانان این جمهوری دستگیر شده است. بنظر کارشناسان بین المللی مبارزه با مواد مخدر در

مواد تخدیرکننده، از جمله تریاک، هروئین، مرفین و ... از اوایل قرن نوزده، از بعد منطقه ای و کشوری خارج و ابعادی جهانی پیدا کرده است. از آن تاریخ بعد بود که در کنار کشف منابع طبیعی تروت، زان، نه تنها کشت و خرید و فروش مواد مخدر وارد بازار جهانی گردید، بلکه بعنوان وسیله ای قدرت را در عرصه سیاست، از طرف قدرتهای استعماری وقت، در معاملات سیاسی بکار گرفته شد.

نقطه عطف مساله فوق را میتوان دوران ده ساله جنگ تریاک در چین (۱۸۳۰-۱۸۴۰)، دانست. در آن دوره، دولت امپراطوری انگلیس از سال ۱۸۱۰، بجای برداخت پول در ازای دریافت جای از جایکاران چینی، شروع به تعویض جای با تریاک از محل کشت آن در مستعمرات آسیای جنوب شرقی خود با آنها نمود. هتنامیکه دولت وقت چین در سال ۱۸۲۰ در صدد جلوگیری از این امر برآمد، امپراطوری استعماری انگلستان، جنگ ده ساله ای را که در تاریخ معروف به 'جنگ تریاک' شده است، بسا این کشور آغاز نمود. دولت چین مجبور شد بخاطر خاتمه جنگ ده ساله با انگلستان و جهت جلوگیری از گسترش هرچه بیشتر اعتیاد به سراسر خاک چین، بخشی از سر زمین خود، یعنی هنگ کنگ را به آن امپراطوری واگذار نموده و اعتیاد را در محدوده معینی از خاک خود نگهدارد!

در ایران نیز، بعد از شکست ایران در جنگ با انگلستان (۱۸۵۷-۱۸۵۶) کشت تریاک در کنار کشت محصولات صنعتی کشاورزی جدید دیگر، چون توتون و پنبه که در بازارهای خارجی مصرف داشت، رسمیت یافت و مصرف آن در داخل کشور نیز با سیاستهای استعماری دولت انگلیس و دولتهای دست نشانده وقت در ایران در آمیخت و عمومیت یافت.

اکنون نزدیک به دو قرن است که مواد مخدر، در کنار جنگهای بین کشوری، منطقه ای و جهانی، بعنوان بلایی مخرب در حیات بشریت، زندگی میلیونها میلیون انسان را درو کرده و سرنوشت خانواده ها و انسانها را بدون توجه به نژاد و ملیت آنها به نابودی کشانیده و هر روز بصورت اهریمنی کریم، هزاران تن از افراد جوامع جهانی، بخصوص نسلهای جوان و آینده بشریت را به کام مرگ میکشد.

جهان، میزان مواد مخدر دستگیر شده در سال از کل تولید آن درجهان، فقط ۶ تا ۱۰٪ است! با توجه به این مسئله میتوان به میزان بسیار بالای واردات مواد مخدر به این جمهوریها پی برد و اگر در بین مردم این منطقه راه ابریشم سابق، اکنون معروف به راه تریاک شده است، جای هیچگونه تعجبی ندارد!

در سال گذشته نیز در کشت و تولید مواد مخدر، ملت طلایی برمه، باز مقام اول را در جهان کسب کرده و سه قلههای تریاک، یعنی پاکستان، افغانستان و ایران نیز مقام دوم خود را در کشت و تولید مواد مخدر در جهان، کماکان حفظ کرده اند! نکته قابل توجه درمیان سه قلههای تریاک، بروز تضاد در میان آنها، در رابطه با صادرات مواد مخدر به اروپا میباشد. بنابه اعتراف بعضی از قاچاقچیان بین المللی، مواد تولید شده در پاکستان و افغانستان و در کشورهای آسیای جنوب شرقی، در پاکستان به قیمت هر کیلو هروئین ۵۰۰ دلار جمع آوری شده و به قیمت هر کیلو ۱۷۰۰ دلار به ایران فروخته میشود و ایران نیز آنرا تا به قیمت ۳۵۰۰ دلار به ترکیه تحویل میدهد. در ترکیه، هروئین های وارد شده، بوسیله نزدیک به ۲۰ نفر از کارشناسان خبره مواد مخدر، در لابراتورهای زیر زمینی تبدیل به مرفین شده و مرفین تولید شده به قیمت تا صد و هفتاد چهار هزار دلار برای هر کیلو، در اروپا بفروشن میرسد!

بنظر میرسد که میتوان دلایل این امر را در علل اساسی زیر خلاصه نمود: اولاً بعد از یک قطبی شدن جهان با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سهم این ابر قدرت در مبارزه با گسترش مواد مخدر در اقصای پیرامونی آن، بعنوان وظیفه ای اخلاقی و انسانی، خود بخود بردوش تنها ابر قدرت بر جای مانده از جنگ سرد، یعنی آمریکا افتاده است. اما این کشور، بجای تلاش برای خلاصی جهان از نتایج شوم جنگ سرد و برقراری نظمی مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز تمامی سیستمهای اجتماعی موجود در جهان، بصورتی متساوی الحقوقی و در شرایطی حکمرانی و بجای کمک به مناطق عقب مانده دنیا، جهت رهایی از گرسنگی، بیماری و بی سوادی، تنها و تنها در جهت تأمین هژمونی بلامنازع خود بر جهان برآمده است. اکنون، آمریکا در جای کره ارض، برای خود منافع حیاتی و استراتژیک قائل شده و عجولانه با توسل به هر وسیله ای به مقابله مستقیم با مناطق خطرناک با این منافع حیاتی و استراتژیک خود برخاسته است. اما این کشور در مبارزه با ریشه کن سازی مواد مخدر در جهان، عملاً نشان داده است که فاقد کارآیی و جدیت و پیگیری لازم در این زمینه بوده و بالنتیجه دست مافیای بین المللی را در این عرصه کاملاً باز گذاشته است. تاکنون، حداقل از طرف این تنها ابر قدرت جهان امروز، پیشنهاد برگزاری هیچگونه کنفرانس و یا نشست وسیع در مقیاس جهانی، جهت بررسی ریشه ها و علل این مواد مرگبار و راههای ریشه کنی آن در دنیا نشده و هیچگونه اصراری از طرف این کشور در اختصاص دادن جلسه ای از اجلاس سازمان ملل و

پاکستان، افغانستان و ایران نیز مقام دوم خود را در کشت و تولید مواد مخدر در جهان، کماکان حفظ کرده اند! نکته قابل توجه درمیان سه قلههای تریاک، بروز تضاد در میان آنها، در رابطه با صادرات مواد مخدر به اروپا میباشد. بنابه اعتراف بعضی از قاچاقچیان بین المللی، مواد تولید شده در پاکستان و افغانستان و در کشورهای آسیای جنوب شرقی، در پاکستان به قیمت هر کیلو هروئین ۵۰۰ دلار جمع آوری شده و به قیمت هر کیلو ۱۷۰۰ دلار به ایران فروخته میشود و ایران نیز آنرا تا به قیمت ۳۵۰۰ دلار به ترکیه تحویل میدهد. در ترکیه، هروئین های وارد شده، بوسیله نزدیک به ۲۰ نفر از کارشناسان خبره مواد مخدر، در لابراتورهای زیر زمینی تبدیل به مرفین شده و مرفین تولید شده به قیمت تا صد و هفتاد چهار هزار دلار برای هر کیلو، در اروپا بفروشن میرسد!

اکنون ترکیه، پاکستان و افغانستان، بعد از روی کار آمدن طالبان در این کشور سعی در حذف ایران در این میان و جا یگزینی آن با جمهوری ترکمنستان و تاجیکستان را دارند! زیرا از طریق این دو جمهوری نوپا، راه صادرات مواد مخدر هم به اروپا از طریق ترکیه باز است و هم به اروپای شرقی

در میان کشورهای عربی - آفریقایی، نیز الجزایر به یمن تلاشها و مجاهدات! مسلمانان افراطی آن کشور، در همکاری با مافیای دولتی و غیر دولتی، مقام اول در صادرات مواد مخدر این منطقه از جهان به اروپا را کسب کرده است. در آمریکای لاتین نیز کشورهای کلمبیا، پرو، بولیوی و ... با مشارکت مافیای آمریکای شمالی، در صدر تولید و صادر کنندگان

اختصاص نداشتی از نشستهای متعدد شورای امنیت این سازمان جهانی نشده است. در بهترین حالت، مبارزه آمریکا در خارج از مرزهای خود با مسئله مواد مخدر، بویژه در آمریکای لاتین که در صادرات آن عمدتاً برای مصرف بازارهای داخلی آمریکاست، صرفاً به تشویق و ترغیب مافیای مواد مخدر در تغییر مسیر صادرات این مواد مرگبار از آمریکابه اروپا محدود شده است. در قاره آمریکا عمدتاً تاکنون آندسته از سران مافیای مواد مخدر مورد مجازات آمریکا قرار گرفته اند که از سیاست فوق سر بیچیده و به بازار قدیمی و پر رونق مواد مخدر در خود آمریکا چسبیده اند!

وضعیت مبارزه آمریکا با مافیای مواد مخدر و با گسترش روز افزون اعتیاد در داخل کشور خود نیز، اسفبارتر از مبارزات آن در عرصه جهانی در این مورد است. خیابانهای پر از جنایت، خشونت، اعتیاد، یک میلیون زندانی و ده میلیون معتاد حرفه ای و سقوط قیمت هروئین به یک پنجم قیمت آن نسبت به سال ۱۹۹۰ در بازارهای داخلی آمریکا بخاطر وفور فراوانی آن در این کشور، مؤید این مسئله است.

بنابر این، دولت آمریکا نه تنها نتوانسته است جای خالی رقیب پیشین خود، شوروی را در مبارزه جهانی با مواد مخدر را بر نماید، و نه تنها وظیفه خود را نیز در این مبارزه، بعنوان دولتی که تعیین کننده توازن قدرت و سرنوشت آینده جهان است، بدست فراموشی سپرده است، بلکه در عرصه داخلی نیز در مبارزه با این مافیای هم ذات کشور خود، ناتوان بوده است. بنابراین در این مورد نمیتوان انتظار معجزه ای از این امامزاده را داشت.

تانیة بنظر کارشناسان مبارزه با مواد مخدر، از کل تولیدی مواد مخدر در جهان، یعنی از ۴۰۰ متریک تن، فقط نشتش تا ده درصد از آن دستگیر و نابود میگردد و بقیه به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار در سال به فروش و مصرف میرسد!

این سود سرسام آور از سوداگری مواد مخدر، نه تنها انگیزه اصلی مافیای بین المللی مواد مخدر در ادامه کار ضد انسانی و کتیف آنهاست، بلکه بسیاری از دولتها و سیاستمداران، بویژه در آمریکای جنوبی و آسیا و آفریقا نیز، جهت سهم بری هرچه بیشتر از این سود وسوسه انگیز و افسانه ای، یار

و شریک قاچاقچیان بین المللی شده اند. بر این اساس در جهان اکنون در بعضی از کشورها، دولتهای شکل گرفته اند که بنام مافیا - دولت معروف گشته اند. این مافیا - دولتها، تاکنون نقشی اساسی در پا بر جایی و حتی گسترش مناطق کثرت مواد مخدر، در بسیاری از مناطق جهان ایفا نموده و با استفاده از امکانات دولتی، بزرگترین شبکه های توزیع و صادرات این مواد مرگبار در سرتاسر جهان برای مافیای حرفه ای بوجود آورده اند.

اگر آندسته از دولتهایی که بحق و یا بناحق تاکنون در لیست دولتهای معروف به تروریست و باغی، از طرف آمریکا قرار گرفته و با تضيقات مختلفی از طرف دولتهای غربی و آمریکا و حتی سازمان ملل متحد مواجه شده اند و حتی دولتی چون کوبا که بعزلت دگر اندیشی باب دولت آمریکا واقع نشده و نزدیک به چهار دهه با انواع توطئه های براندازی از درون و برون و با محاصره اقتصادی از طرف آمریکا تحت فشار قرار گرفته است. اما در مقابل، دولت - مافیاهای معروف جهان با هیچگونه تضييق و محدودیتی از طرف آمریکا مواجه نشده اند. زیرا آنها تماماً متحدان منطقه ای آمریکا محسوب میشوند!

تاثراً نظریه ای در مبارزه با مواد مخدر در دو دهة اخیر، در میان بعضی از کشورها رایج شده که طبق این نظریه جدید، گویا بهترین طریق مبارزه با مواد مخدر و قاچاق آن، خود دولت رأساً اقدام به فروش آن کرده و حمل و نقل مواد مخدر را برای مصرف شخصی آزاد بگذارد! این نظریه، بویژه در میان دولتهای اروپایی طرفدارانی جدی پیدا کرده که گویا ترین نمونه آن کشور هلند میباشد. در این کشور در بسیاری از رستورانها و بارها، انواع و اقسام مواد مخدر، آزادانه در اختیار مشتریان معتاد و غیر معتاد گذاشته میشود؟! در ایتالیا و آلمان و در تعدادی دیگر از کشورهای اروپایی، حمل این مواد برای مصرف شخصی آزاد گذاشته شده و تالشهایی برای آزادی کامل آن، مثل نمونه هلند صورت می پذیرد. این مسئله، معنایی جز عجز و ضعف در مبارزه با مافیای قاچاق مواد مخدر نداشته و دسترسی آزادانه و سهل و ساده جوانان به این مواد، نه راه مقابله با اعتیاد، بلکه کمکی است در راستای گسترش وهمه گیر کردن آن. زممانی که ایسوان گروزی لاپوان مخوفاً

ENE DILIM

Boylarım büküldi yaad ülkelerde,
Ayralıgıñ deryasını boyladım.
Sag bol, ene dilim, baakı büysanjım
Sen meñ yüregimi yeke goymadıñ.

Kä sıyrılıp çıkdıñ gıyndan gılıç dek,
Kä gızıl gül bolduñ, kä yaaşıl yaprak
İkä böölnende Türkmen torağı,
Ene dilim, bolduñ böölünmez toprak.

Ene dilde yayan şaatlıgım, gussaam,
Aaraçäkde büdräp gaalanda gözler,
Arzuwlarımıñ geçip bilmedik günü
Tikenekli siymleri böwsüpdi sözler.

Gülle kär etmez yüpek heñine,
Öldürmedi ganıymlarıñ bogması,
Şeydaayınıñ axmırı- Gözel yigrim baş-
Boldı Türkmen yürekleriniñ tagması.

Gayradan-İlerik, İlerden-Gayraak,
Aaraçägi böwüdi erkin yel yaalı.
Aadam yüreginde söygi erkindir
Başga erkinlik yook ene dil yaalı.

Magtımgulıñ sözlerin diñlediñ,
Ene dilim, senden meñ tamaam ulı,
Tenim tabşıyrlar bir gün topraga,
Yööne saña tabşırarın ruhumı.

Gothenburg
1998.01. 01

امپراطور روسیه در اوایل قرن پانزدهم، تولید و فروش مشروبات الکلی را از طرف دولت خود، بعنوان اقدامی موقتی جهت تأمین بعضی هزینه های دولتی، رسمیت داد، در آن هنگام به مخیله کسی خطور نمیکرد که این مسئله از آن عصر تا به امروز به منبعی دائمی برای تأمین ۵۰٪ از بودجه تمامی امپراطوران روسیه و بعدها اتحاد جماهیر شوروی و دولت فعلی فدراسیون روسیه تبدیل گردید و خود دولت باعث و بانی آنهمه فجایع اجتماعی ناشی از اپیدمی الکل در جامعه روسیه و محیط پیرامونی آن گردید! با توجه به این تجربه تاریخی، اکنون این نگرانی وجود دارد که فروش انحصاری و آزادانه مواد مخدر از طرف خود بعضی از دولتها، با توجه به سود سرشار آن، با گذشت زمان، بتدریج به منبعی دائمی برای جبران کسری بودجه این دولتها تبدیل گردد!

بنابراین، در مبارزه با مواد مخدر نه تنها معاشات و ملاحظیات اقتصادی باین آفت مرگبار و خزننده جایز نیست، بلکه کمک به گسترش آن با هر توجیه و بهانه ای، خود اقدامی جنایتکارانه و کمک به نابودی نسل جوان در هر مملکتی است. با توجه به اینکه مواد مخدر، اکنون به مسئله جهانی مبدل شده و برای خود دولت - مافیاهایی در اقصی نقاط جهان تشکیل داده و از شبکه ای وسیع و مخوف برخوردار شده است، مبارزه با آن نیز نه اقدامی منفرد و پراکنده از طرف یک یا چند کشور، بلکه اقدامی مشترک و جهانی را میطلبد.

وه پا

نشریات رسیده:

- آذربایجان سنسی
- اولوس
- کوردستان
- راه فدائی
- ابل - گوز

کمکهای مالی رسیده: دوستان تورکمن از آلمان ۲۰۰ مارک

مستحکم باد اتحاد ملل تحت ستم ایران !